



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۲۱



نویسنده: ن. جلیل زاد

صداقت در متن، شرافت در معنا برداشت هایی از نوشته استاد عبدالله کاظم

۲۱ اگست ۲۰۲۶

احترام عمیق نثار این استاد فرهیخته باد. مقاله تازه او در پورتال افغان جرمن بار دیگر نشان داد که صداقت، امانتداری و شرافت ملی هنوز زنده است و در وجود انسان هایی چون داکتر عبدالله کاظم می درخشد. قلم او نه برای شهرت، بلکه برای حقیقت می نویسد، اندیشه اش نه برای سود، بلکه برای روشن گری وطن می تپد. عمرش دراز، روزگارش آرام، و خدمت علمی اش پایدار باد. محترم دکتور عبدالله کاظم در این نوشته به بحث دیرینه ای می پردازد که پیرامون علت و کیفیت مرگ سردار محمد داوود خان و اعضای خانواده اش در کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ جریان دارد. محور اصلی مناقشه دو ادعا است.

- نخست اینکه گفته می شود ویس داوود، پسر رئیس جمهور، به دستور پدرش کودکان و زنان خانواده را کشته باشد.
- دوم اینکه سردار داوود خود با فیر تفنگچه خویش خودکشی کرده باشد.

نویسنده ادعای نخست را در نوشتار دیگری با استناد به مصاحبه ای با آقای حبیب هوتکی رد کرده و در این مقاله تمرکز را بر ابطال ادعای دوم می گذارد. او نشان می دهد که منشأ روایت «خودکشی» به نقل قولی از گلالی داود ملکیار (همسر عمر داوود) بازمی گردد که خود با عبارت «به خیالم» همراه بوده و بنابراین ماهیت حدسی دارد، نه قطعی. داوود ملکیار، به گفته نویسنده، برای تقویت این روایت به دو منبع دیگر متوسل شده: یک بریده روزنامه اطلاعات ایران با تیتر «داودخان پشت میز کار خودکشی کرد»، و نقل قولی منسوب به داوود غازی (نواسه ای سردار داوود خان) از کتاب غوث الدین فایق. نویسنده ادعا می کند که داوود غازی خود در مصاحبه ای صراحتاً چنین سخنی را تکذیب کرده و حتی گفته فایق را نمی شناخته، و خود نویسنده نیز پس از مرور مجدد کتاب فایق، چنین جمله ای را در آن نیافته است. او با تعجب می پرسد چگونه ممکن است مردی معتقد به اصول اسلام، در چنان لحظه حساسی دست به خودکشی بزند، در حالی که همان جمله مشهور او، که تسلیم جز به خدا نمی شود، نشانه ایستادگی است نه تسلیم به یأس. برای ابطال قطعی این روایت، نویسنده به دو سند استناد می کند.

- سند نخست اعتراف شهناز تنی (بعدها وزیر دفاع رژیم خلقی-پرچمی) در مصاحبه ای تلویزیونی با طلوع است که در آن او شرح می دهد چگونه نیروهای کوماندو صبح هشتم ثور ۱۳۵۷ قصر گلخانه را محاصره کردند، از داوود خان خواستار تسلیمی شدند، او نپذیرفت، و در نتیجه او و همراهانش کشته شدند.
- سند دوم، که محور اصلی مقاله است، مصاحبه محمد حسن ولسل با جنرال امام الدین است که نخست در سال ۱۳۸۷ در «افغان ملی جریده» و سپس در کتاب خاطرات ولسل مل (۲۰۱۰) منتشر شد.

به گفته امام الدین، او همراه چهار سرباز کوماندو وارد قصر گلخانه شد، پیام شورای انقلابی مبنی بر انتقال قدرت و درخواست تسلیمی را به داوود خان رساند، داوود خان با عصبانیت تفنگچه اش را بالا برد و فیر کرد (که به دست دخترش که مانع او می شد اصابت کرد)، و به دنبال آن تبادل آتش میان کوماندوها و همراهان مسلح رئیس جمهور (از جمله میرویس داوود، وزیر داخله قدیر، و وزیر مالیه عبدالله) درگرفت که به کشته شدن سردار داوود خان و هفده تن از اعضای خانواده اش و زخمی شدن گروهی دیگر انجامید.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

امام الدین تأکید می کند که جز چند نفر مسلح نزدیک داوود خان، کسی دیگری از خانواده را ندیده و تنها صدای اطفال را شنیده است.

نویسنده از این روایت هفت نتیجه

استخراج می کند :

اینکه داوود خان قاعدتا همان جمله مشهور خود درباره عدم تسلیم را گفته ، اینکه تیراندازی نخست از سوی خود او آغاز شده ، اینکه در آن لحظه کوتاه و پرهراس، امکان صدور یا اجرای فرمان قتل کودکان و زنان توسط میرویس وجود نداشته ، و اینکه احتمالاً یکی از کوماندوها بهطور جداگانه به اتاق مجاور برای جست وجوی سردار نعیم خان رفته و مسئول تلفات دیگر بوده است .

نویسنده همچنین به مقاله فرهاد لبیب اشاره می کند که می پرسد چرا امام الدین هرگز نام همراهانش را فاش نکرده، و این احتمال را مطرح می کند که آن افراد شاید عناصر ورزیده کاگی ب ، یا جی آریو بوده باشند.

درباره کشته شدن داوود خان و خانواده اش

آنچه از هر دو روایت ، اعتراف تنی و شرح امام الدین قاتل برمی آید، تصویر یک اعدام فراقضایی است، نه یک درگیری نظامی متعارف و نه خودکشی .

رئیس جمهوری که تسلیم را نپذیرفت، در فاصله یکی دو دقیقه، همراه هفده عضو خانواده اش، از جمله به گفته خود مقاله، احتمالاً کودکان، در محدوده بسته یک اتاق، توسط افرادی که مأمور «تصفیه» ارگ بودند از میان برده شدند . حتی اگر فیر نخست از سوی داوود خان بوده باشد ، که آن هم در عکس العمل کودتاجیان به یک اولتیماتوم مسلحانه صورت گرفته، نه در یک دادگاه یا پروسه ای قانونی ، کشتار جمعی افرادی غیرمسلح یا کم سلاح در همان اتاق، در هیچ چارچوب انسانی ، حقوقی ، افغانی یا اخلاقی ای قابل توجیه نیست .

این رویداد، دقیقاً به همان دلیل که نویسنده برجسته می کند، مصداق نقض آشکار کرامت انسانی، حقوق بشر، و حتی موازین جنگی است که کشتن غیرنظامیان و افراد تسلیم ناپذیر بدون محاکمه را منع می کند .

اینکه این عملیات از پیش، در قالب اعلامیه شبانه رادیو-تلویزیون مبنی بر «کشته شدن داوود» پیش از وقوع واقعی آن اعلام شده بود، نشان می دهد که سرنوشت او از پیش تعیین شده بود، نه نتیجه یک درگیری آنی .

این واقعیت، فارغ از قضاوت سیاسی درباره شخص داوود خان، رویدادی است که باید در تاریخ افغانستان به عنوان یک جنایت آشکار علیه یک خانواده کامل ثبت و از آن عبرت گرفته شود.

درباره داوود ملکیار

جمع بندی دقیق نقدهای محتوایی مقاله ، استناد ملکیار به جمله حدسی («به خیالم») گلالی ملکیار قاطعیت لازم را ندارد، استناد او به تیتزر روزنامه اطلاعات ایران یک منبع ثانویه و بدون سند مستقل است ، و نقل قول منسوب به داوود غازی از کتاب فایق، به ادعای نویسنده، نه در کتاب فایق یافت می شود و نه خود داوود غازی آن را تأیید کرده است .

ضعف روش شناسی جدی در استدلال آقای ملکیار وجود دارد و لازم است او یا مستندات دقیق تری ارائه کند یا در ادعای خود تجدیدنظر نماید و از خانواده ای محترم سردار داود بابت دروغ پراکنی و جعل و کذب و کینه توزی و انتقامجویی کودکانه ، عذر خواهی کند. این، البته، یک مناقشه تاریخی در جریان است و طرفین دیگر (از جمله خود داود ملکیار) ممکن است پاسخ یا مدارک دیگری داشته باشند که ندارد و در دسترس نیست.

این متن استاد داکتر کاظم ، تحلیلی مستند، افشاگرانه و همه جانبه بر شواهد تاریخی و حقوقی مرتبط با کودتای خونین ۷ ثور ۱۳۵۷ و جانباختن مظلومانه سردار داود خان و خانواده اش است.

استاد داکتر کاظم

با امانت داری، وجدان بیدار و ژرف اندیشی تاریخی، روایتی عاری از تحریف از یکی از تلخ ترین برهه های تاریخ معاصر افغانستان ارائه می دهد .

مقاله ایشان با کالبدشکافی ریشه های تحولات سیاسی، ماهیت خشن و ضد ملی جنایت ۷ ثور را آشکار می سازد . مایه اصلی این تحقیق اعلی، اثبات این حقیقت است که فروپاشی نظام جمهوری و ترور وحشیانه رییس جمهور و اعضای خانواده اش، نه یک چرخش طبیعی، بلکه جنایتی برنامه ریزی شده، هولناک و لکه ننگی بر پیشانی عاملان آن بود .

داکتر کاظم با استناد به مدارک خلل ناپذیر، پرده از قساوت کودتاجیانی برمی دارد که با پا گذاشتن بر تمام موازین انسانی، قانونی و اسلامی، فاجعه ای ماندگار را در کشور رقم زدند.

تقیح شدید اقرار و اعتراف عاملان جنایت (امام الدین و شهنواز تنی)

اعترافات صریح و بی‌شرمانه افرادی چون امام‌الدین و شهنواز تنی که با وقاحت کامل از «از بین بردن داود خان و خانواده‌اش» سخن می‌گویند، از منظر حقوقی، انسانی، اخلاقی و افغانی، محکوم و مستوجب شدیدترین انزجار است: از بعد حقوقی:

این اقرارها سند جنایت علیه بشریت، ترور دولتی و قتل عام هدفمند و بی‌دفاعی است که طبق تمامی کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین جزایی، مصداق بارز شکنجه و قتل متجاوزانه محسوب می‌شود و متهمان، مجرمان مهدورالدم و پاسخگوی حقوقی هستند.

از بعد انسانی و اخلاقی:

کشتار دسته‌جمعی زنان، کودکان و سالخوردگان بی‌دفاع در کاخ ریاست‌جمهوری، سقوط به عمق وحشی‌گری، پستی اخلاقی و قساوت قلبی است که وجدان هر انسان آزادیخواه‌ای را به درد می‌آورد.

از بعد سنت‌ها و شرف افغانی:

طبق ننگ و نام و دیانت افغانی، تعرض به حریم خانه، کشتن زنان و کودکان و پلیدکردن دست به خون هم‌میهن بی‌دفاع، اوج نامردی، بی‌غیرتی و پایمال کردن غرور ملی است.

این جانیان، مطرودین تاریخ و سرافکندگان ابدی ملت افغانستان هستند.

پاسخ دندان‌شکن به جعل‌کاری‌های داود ملکیار

دست‌کاری، ادیت ناشیانه و کینه‌توزانه فایل‌های صوتی و تصویری توسط داود ملکیار، تلاش مذبوحانه‌ای برای تطهیر جنایتکاران و تحریف تاریخ است.

ملکیار با این جعل‌کاری‌های ساده لوحانه و انتقام‌جویانه، نه تنها نتوانست چهره حقیقت را بپوشاند، بلکه معامله‌ای

خسران‌بار کرد و نام خود را به عنوان انسانی درمانده، وامانده، جعل‌کار و کینه‌توز در حافظه جمعی ثبت نمود.

حقیقت تاریخی را نمی‌توان با قیچی سانسور و مونتاژهای مغرضانه ذبح کرد. آفتاب حقیقت همواره از میان ابرهای تزویر و جعل خروج می‌کند و رسوایی ابدی را برای خائنان به قلم و تاریخ به سوغات می‌گذارد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد